خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

چراغ قرمز

مجازات توهین

از گذشته تاکنون زبان سرخ، متهم ردیف اول بسیاری از جرم‌ها بوده است. امروز نیز کم نیستند جرم‌هایی که به زبان سرخ منتسب هستند. در این میان بعضی از جرم‌ها از کجروی زبان بر می‌خیزند. فحش‌ها در قانون مجازات ایران درجات و سطوح مختلف و متفاوتی دارند.
در شرایط فعلی جامعه که آستانه تحمل مردم پایین آمده و زود از کوره در می‌روند، کوچکترین کلمه‌ای ممکن است مصداق توهین محسوب شود و فرد با استناد به چنین ادعایی بخواهد اعاده حیثیت کند و فرد توهین کننده را مورد پیگرد قانونی و حقوقی قرار دهد.
البته در ایران به دلیل اطاله دادرسی و آشنا نبودن مردم با حقوقشان این موضوع شاید چندان مصداق نداشته باشد اما در سایر کشورها قوانین در این زمینه سختگیرانه وضع می‌شود و حقیقتا فرد یا افرادی که دیگران را مورد توهین یا افترا یا هتاکی قرار می‌دهند، منتظر برخورد قانونی خواهند بود.
با این اوصاف چند سالی است که با آگاه‌تر شدن مردم نسبت به حقوقشان شاهد برخوردهای حقوقی‌تر نسبت به جرم توهین هستیم. همانطور که جرایم علیه وضعیت جسمانی اشخاص سبب واکنش کسی که مورد ستم و جنایت واقع شده و جامعه در برابر مجرم می‌شوند، جرایم علیه اشخاص و شرافت افراد هم همینطور است زیرا این جرایم چنان آسیب روحی و روانی در پی دارد که در بسیاری از موارد مداوا و درمان آن بسیار سخت‌تر و دشوارتر از صدمات و ضررهای مالی و جسمی است. برای تحقق جرایمی از جمله توهین یا افترا باید ۳ رکن همزمان وجود داشته باشند؛ رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی. توهین در لغت به معنای خوار کردن، سبک داشتن، خواری و خفت آمده است. البته جرم توهین دارای اقسامی نیز است: توهین ساده عبارت است از توهین و اهانتی که با وجود دارا بودن وصف مجرمانه از هیچ کیفیت مشدده‌ای برخوردار نیست. این جرم در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده است که مقرر می‌دارد «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا ۵۰ هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود» برخی معتقدند توهین به اشخاصی که در قید حیات نیستند نیز مشمول ماده ۶۰۸ می‌شود. به‌نظر می‌رسد واژه« افراد» در ماده فوق به انسان‌های زنده اشاره دارد و در نتیجه توهین به مردگان تنها در صورتی می‌تواند مشمول ماده مذکور قرار گیرد که عرفاً توهین به بازماندگان تلقی شود و در واقع آنان بزه دیده محسوب می‌شوند.
قانون می گوید چنانچه افرادی نزد مراجع قضایی به عنوان شاهد زنا یا لواط دیگران حاضر شوند، اما شهادت آنها مستند به مشاهده نباشد یا تعدادشان به حد نصاب لازم برای شهادت نرسد، عمل آنها نیز قذف و مستوجب مجازات ۸۰ ضربه شلاق خواهد بود.
نکته پایانی آن که قذف محدود به گفتن فحش ناموسی نیست، نوشتن آن یا درج الکترونیکی (نظیر انتشار در اینترنت یا ارسال ایمیل) نیز طبق قانون جدید مجازات اسلامی جرم انگاشته شده است. برخی معتقدند توهین به اشخاصی که در قید حیات نیستند نیز مشمول ماده ۶۰۸ می‌شود. جز مواردی که در قانون به آن اشاره شده است. علنی بودن توهین شرط تحقق آن محسوب نمی‌شود. در واقع اگر کسی هم در یک مکان خصوصی و بدون حضور شاهد به دیگری توهین کند مرتکب جرم می‌شود، حتی حضور مخاطب توهین هم شرط تحقق نیست، ممکن است شخصی به کسی که در میان جمعی حضور ندارد توهین کند.
حال آیا منظور از حضور، حضور فیزیکی است؟ بله، همین که شخص مخاطب، مثلاً از طریق تلفن، الفاظ توهین‌آمیز را بشنود یا از طریق ارتباط اینترنتی حرکات توهین آمیز را مشاهده کند کفایت می‌کند.
بنابراین می توان نتیجه گرفت جرم توهین مقید به نتیجه نیست و در واقع یک جرم مطلق است. اگر مخاطب روحیه بالایی هم داشته باشد حتی اگر عملاً از توهین ناراحت نشود باز هم جرم توهین، به صرف موهن بودن رفتار مرتکب شونده از نظر عرف، محقق شده است.
جرم توهین یک جرم عمدی است و ارتکاب غیرعمدی آن در حقوق جزا شناخته شده نیست یعنی مرتکب «عمد در ارتکاب رفتار موهن نسبت به دیگری» را داشته باشد در واقع این مطالب به دو مورد اشاره می کند:
۱- مرتکب در ارتکاب عمل خود عامد باشد یعنی در حالت خواب و هیپنوتیزم و مستی نباشد و کلا بدون اراده مرتکب صورت نگیرد.
۲- مرتکب از موهن بودن رفتار خود اطلاع داشته باشد، برای مثال برخی تفاوت‌های فرهنگی یا زبانی باعث عدم‌اطلاع وی نباشد.
گاهی ممکن است گفتار و رفتار توهین آمیز کسی نسبت به دیگری به گونه‌ای باشد که به جای آنکه صرفاً موجب تخفیف شخصیت و تحقیر او شود ارتکاب عمل مجرمانه‌ای را به‌طور صریح به وی نسبت دهد که این نوع گفتار و رفتار موجب تشدید مجازات مرتکب در مقایسه با توهین ساده خواهد شد.

خبری که گل کاشت

شکست قفل زندان با همت خیران

خیران با همت بجنوردی زندانی بدهکار را از پشت میله های زندان آزاد کردند و او را به زندگی برگرداندند.در پی درج خبر خراسان شمالی با عنوان پشت میله های اقساط بانکی تعدادی از خیران آدرس فرد یاد شده را خواستند تا به زندانی مورد نظر کمک کنند. یکی از شرکت های ساختمانی نیز برای به کارگیری وی پس از آزادی اعلام آمادگی کرد. یکی از این خیران یک فرهنگی بازنشسته بود که با حضور در دفتر روزنامه خراسان شمالی خواستار دریافت مشخصات این بدهکار بانکی شد و با گرفتن مشخصات او راهی بانک شاکی از مرد بدهکار شد تا اقساط او را بپردازد. یکی از این خیران پس از گرفتن مشخصات بدهکار بانکی در تماس مجدد با دفتر روزنامه بدون بردن نامش از تصویه حساب بدهی این فرد با بانک خبر داد. اعلام آمادگی خیران و شرکت های یاد شده نشان می دهد که نیت ها و همت های پاکی هستند که سرمای زندگی را در اوج زمستان بهاری می کنند که باید به آن ها درود گفت.

گفت و گو با مردی که سوداگری مرگ را پیشه کرد

زندان نقطه جوش مرد عهد شکن

صدیقی- ۴ سال است که به خاطر پشت پا زدن به عهد و پیمان با همسرش پشت میله های زندان زندگی می کند. او از گذشته اش پند نگرفت و برای بار سوم به زندان افتاد و از هیچ کدام از فرصت هایی که همسرش هر مرتبه در اختیارش گذاشت استفاده نکرد تا اینکه تاوان سختی را با از دست دادن زن و فرزند و زندگی اش پس داد. او حالا در گوشه ای نشسته و به گذشته نه چندان روشنش فکر می کند اما دیگر افسوس خوردن فایده ای ندارد و باید تاوان اشتباهات پی درپی خود را با از دست دادن عمر و جوانی اش تا چند سال دیگر پشت میله های سرد زندان پس بدهد.
از همان کودکی بازیگوش بودم. پدرم آدم صالح و زحمتکشی بود و مدام من را از کارهای زشت و بیراهه نهی می کرد . اما گوش شنوایی نداشتم و رفیق بازی مجال گوش و فکر کردن به حرف های پدرم را نمی داد. یک خط در میان به مدرسه می رفتم و به زور نمرات قبولی می گرفتم. وقتی پدرم دید به مدرسه علاقه ای ندارم و تا دوم راهنمایی بیشتر درس نخوانده بودم از من خواست ترک تحصیل کنم و وارد کار صنعتی شوم تا شاید در این حرفه آینده ای برای خودم بسازم. وی بعد از ترک تحصیل وارد حرفه جوشکاری می شود و در کنار یک استاد جوشکار شاگردی می کند. وی از چگونگی وارد شدنش به چرخه استعمال مواد چنین روایت می کند: صاحب کارم آدم خلافکاری بود.
من که سن و سالم به زور به ۱۵ سال می رسید حشر و نشر با آدمهای بزرگ و خلافکار برایم خیلی ابهت داشت و به خاطر بودن در کنار چنین آدمهایی احساس غرور کاذب به من دست می داد و فکر می کردم که بزرگ شده ام . به خاطر همین اول از یک نخ سیگار شروع کردم و رفته رفته قبح کشیدن مواد برایم شکسته شد و به سمت مصرف مواد مخدر کشیده شدم . وی ادامه می دهد: چهره ام غلط انداز بود و به خاطر ورزش کردن اصلا اعتیادم نمایان نمی شد و کسی هم به من شک نمی کرد. بعد از مدتی با یکی از دخترهای فامیل ازدواج کردم و تشکیل خانواده دادم.
او بعد از ازدواجش وارد چرخه اعتیاد صنعتی می شود و زندگی اش دگرگون می شود. وی درباره ماجرای وارد شدن خود به استعمال مواد صنعتی چنین روایت می کند: بعد از اینکه ازدواج کردم برای کار در یک شرکت بزرگ به تهران کوچ کردم و در آنجا چند سالی ساکن شدم.
بعد از مدتی کار و شرایط سخت محیط شرکت مصرف بالای مواد سنتی جوابگوی من نشد و مجبور شدم وارد چرخه مواد صنعتی شوم. رفته رفته هزینه موادم بالا رفت و دیگر قادر به اداره زندگی ام نبودم و از طرفی تازه صاحب فرزند شده بودیم و دخل و خرج زندگی مان با یکدیگر نمی خواند. وی به خاطر اعتیاد به مواد صنعتی اش از شرکت اخراج می شود و همسرش نیز با اعتیاد فاجعه بارش کنار نمی آید و از دست او شکایت می کند و او را به زندان می اندازد و از او جدا می شود. مرد آواره بعد از مدتی از زندان آزاد می شود و تصمیم می گیرد که بعد از این سالم زندگی کند. وی درباره چگونگی راضی شدن همسرش به ازدواج مجدد با وی این چنین می گوید: بعد از اینکه از زندان آزاد شدم به سراغ همسرم رفتم و به خاطر اینکه می دانستم همسرم علاقه قلبی به من دارد او را راضی کردم تا برای بار دوم با هم ازدواج کنیم. همسرم اصلا مشکل مالی نداشت چون خودش آرایشگر ماهری بود و چرخ زندگی اش را به خوبی می چرخاند. بعد از مدت کوتاهی دوباره

> **بعد از اینکه دوباره به سراغ مصرف و قاچاق مواد رفتم کشمکش بین من و همسرم بالا گرفت و هر روز بحرانی تر می شد و این داستان پر فراز و نشیب ادامه داشت تا اینکه برای سومین بار به جرم قاچاق مواد دستگیر شدم و به زندان افتادم**

زندگی مشترکمان را آغاز کردیم و من هم قول داده بودم به سمت خلاف نروم و پاک زندگی کنم . اما بعد از مدتی من قولم را زیر پا گذاشتم و دوباره به سراغ مواد رفتم و این بار علاوه بر مصرف مواد به خرید و فروش آن نیز روی آوردم و مشغول قاچاق مواد آن هم از نوع صنعتی شدم .
او که زیر همه قول و قرار هایش زده بود هر روز بیشتر دست به جابجایی و قاچاق مواد می زد و این ماجرا ادامه داشت تا اینکه یک شب هنگام فروش مواد دستگیر و چند سالی به حبس محکوم شد.
وی از ادامه ماجرای زندگی خود بعد از زندانی شدنش می گوید: بعد از این که به جرم قاچاق مواد به زندان افتادم همسرم دوباره وسایل خودش را برداشت و به دنبال زندگی اش رفت و بعد از مدتی هم طلاقش را از من گرفت. بعد از سپری کردن دوران محکومیتم از زندان آزاد شدم و مدتی بیکار و بی هدف در خیابان ها آواره بودم. بعد از گذشت چند صباحی دوباره به سراغ همسر سابقم رفتم و این بار نیز با هزار نیرنگ و با وعده و وعید تو خالی از او خواستم تا یک فرصت دیگر به من بدهد تا خودم را به او اثبات کنم و زندگی مناسبی را برای او و فرزندمان فراهم کنم. اوایل همسر سابقم نسبت به من شک و تردید زیادی داشت ولی آنقدر اصرار کردم و قول های پر و پیمانی دادم تا اینکه قبول کرد. اما این بار بر خلاف قبل از من خواست مدتی در صیغه موقت باشیم تا در صورت صحت ادعاهای من به عقد دائم یکدیگر در بیاییم . بالاخره برای بار سوم با همسر سابقم ازدواج کردم و زندگی مشترکمان را دوباره از سر گرفتیم. مرد بد قول بعد از ازدواج سومش با همسر سابقش دوباره بعد از مدتی قول و قرار خودش را فراموش می کند و عهد خودش را زیر پا می گذارد و به سراغ مصرف مواد می رود و چنان در جاده اعتیاد می تازد که از او همچون روح و استخوانی بیشتر باقی نمی ماند و تا جایی که دوباره مجبور می شود برای تهیه هزینه اعتیاد سرسام آورخود به سراغ قاچاق مواد برود و دست به قاچاق مواد بزند. وی می گوید: بعد از اینکه دوباره به سراغ مصرف و قاچاق مواد رفتم کشمکش بین من و همسرم بالا گرفت و هر روز بحرانی تر می شد و این داستان پر فراز و نشیب ادامه داشت تا اینکه برای سومین بار به جرم قاچاق مواد دستگیر شدم و به زندان افتادم.
بعد از زندانی شدنم مدت صیغه موقت من و همسرم تمام شد و این بار همسرم درنگ نکرد و با شخص دیگری ازدواج و برای همیشه زندگی اش را از من جدا کرد. بعد از گذشت چند سالی از زندانی شدنم به بند باز منتقل شدم و بعد از گرفتن مرخصی به کمپ اعتیاد رفتم و اعتیادم را ترک کردم.
به خاطر حرفه جوشکاری که قبلا بلد بودم با مشاوره و راهنمایی مسئولان زندان با گرفتن مبلغی وام ابزارآلات جوشکاری خریدم و روزها بیرون از زندان مشغول کار جوشکاری شدم و شب ها نیز خودم را به زندان معرفی می کردم. حالا او بعد از ترک و ازدواج همسر سابقش درمانده و سرخورده شده است و تصمیم گرفته تا از خلاف و کارهای ناشایست گذشته اش دست بردارد و قدم در جاده روشنایی و امید گذاشته است تا این بار بر خلاف گذشته نه چندان خوبش زندگی تازه ای را برای خودش آغاز کند.

اخبار

ضارب لامپ های خیابان‌ها گیر افتاد

مردی که به شکستن لامپ های خیابانها و پارکها در یکی از شهرهای استان اقدام می کرد توسط ماموران گشت شهرداری دستگیر شد.
به گزارش خبر نگار ما یکی از ماموران مطلع در این باره گفت: مدتی بود که فردی ناشناس لامپ های خیابانها و پارک های شهر را می شکست که با توجه به اهمیت ماجرا، موضوع در دستور کار ماموران گشت شهرداری قرار گرفت تا هر چه زودتر هویت و انگیزه شخص مورد نظر معلوم شود . این ماجرا ادامه داشت تا این که یک شب هنگام گشت شخص مورد نظر حین شکستن لامپ ها شناسایی، دستگیر و به کلانتری تحویل داده شد.
وی افزود: بعد از دستگیری فرد متخلف علت این کارش را بیکاری و یاس عنوان کرد و گفت: مدتی است که بیکار شده ام و تمام وجودم را کینه و یاس فراگرفته به همین دلیل تصمیم گرفتم عقده و ناراحتی ام را سر لامپ های خیابان و پارک ها خالی کنم تا شاید با این کار کمی آرام شوم و الان نیز به شدت از کرده خودم پشیمانم.

نزاع بر سر قانون گریزی

دو راننده به علت قانون گریزی یکی از طرفین و رانندگی در مسیر عبور ممنوع به جر و بحث پرداختند که در نهایت این موضوع با کوتاه نیامدن هیچ یک از آن ها به نزاع و درگیری ختم شد.
به گزارش خبر نگار ما یکی از طرفین نزاع در این باره گفت: روزی در حال عبور از مسیر یک طرفه بودم که در کمال تعجب دیدم راننده ای با وجود اطلاع از ممنوع بودن عبور از طرف مقابل و بدون توجه به هشدار بقیه رانندگان در خلاف جهت به حرکت خود ادامه می دهد. وقتی وسط کوچه به هم رسیدیم به او به خاطر قانون گریزی و زیر پا گذاشتن مقررات راهنمایی و رانندگی به شدت اعتراض کردم که در کمال گستاخی به جای عذرخواهی فحاشی کرد و با پیاده شدن از خودرو به سمت من حمله ور شد و علاوه بر وارد آوردن خسارت به خودرویم، خودم نیز در این درگیری آسیب دیدم . بعد از این ماجرا قصد شکایت از این فرد قانون گریز را دارم تا قانون او را سر جایش بنشاند.

حادثه در شهر

مشاجره مأموران شهرداری با پیمانکار متخلف ساختمانی

سر و صدای عده ای در ساختمان در حال احداث، مردم را کنجکاو می کند و به سمت ساختمان می کشاند. همراه مردم کنجکاو من نیز به ساختمان مورد نظر نزدیک می شوم. با دیدن خودروی اجرائیات شهرداری متوجه می شوم که موضوع به تخلف ساختمانی بر می گردد و پیمانکار و کارگران ساختمانی و مأموران اجرائیات با یکدیگر مشاجره می کنند.
بر پایه این گزارش پیمانکار ساختمان یاد شده مانع از فیلم برداری از ساختمان مورد نظر شد و به همین دلیل مشاجره جدی تر شد تا اینکه با آمدن ماموران ۱۱۰ کار به قانون کشید.مسئول اداره اجرائیات، کنترل و نظارت شهرداری بجنورد در این باره به خبرنگار می گوید: مأموران شهرداری اگر با سد معبر یا متخلفان ساختمانی برخورد می کنند برای پیشگیری از گسترش تخلفات و حفظ حقوق شهروندان است اما در عمل حمایت لازم از آن ها وجود ندارد و همواره در معرض اتهام نیز قرار دارند. «احمدی» با بیان این که یکی از همسایگان این ملک ساختمانی بارها نسبت به تخلف بالکن آن اعتراض داشته است، اظهار داشت: مأموران ما برای حفظ حقوق یکی از شهروندان با این پیمانکار درگیر شده اند. وی با اذعان به طولانی بودن روند قانونی برای برخورد با متخلفان اظهار می کند : ما اگر به دنبال روند قانونی برای پیشگیری از تخلف پیمانکاران باشیم حدود یک سال و نیم طول می کشد و تا آن موقع پیمانکار ساختمانش را ساخته است و در نهایت اگر تخلفش محرز شود در نهایت جریمه می شود.
وی تصریح می کند: در صورت جریمه فرد بر مجموع درآمدهای شهرداری افزوده می شود اما حق شهروندی که از نامحرم شدن منزلش شکایت دارد چه می شود و این خلاء قانونی وجود دارد و در این بین مأموران اجرائیات همیشه در معرض اتهام قرار دارند و حمایتی نمی شوند.وی از مسئولان شورای تأمین و دادگستری می خواهد برای خلاء موجود در این موضوع تدبیری بیندیشند. وی پیشنهاد می دهد: مأموران اجرائیات طی ساز و کار قانونی بتوانند برای تخریب ساختمان متخلفی که هنوز سقف نساخته است اقدام کنند.

در راهروی دادگاه خانواده

دخالت های نابجا

نمی دانم با چه زبانی به پدر و مادرم بگویم که از دخالت های گاه و بیگاه شان دست بردارند . با این کارهای نسنجیده، زندگی من را به لبه پرتگاه کشانده اند. اجازه انجام کوچکترین کاری را از همان دوران نوجوانی نداشتم و مادرم تمام کارهای من را انجام می داد. به قول معروف دوستی شان دوستی خاله خرسه است. آنها فکر می کنند خودشان را در کارهای ما دخالت بدهند به نفع ماست ولی نمی دانند که راهنمایی کردن با دخالت کردن خیلی فرق دارد. پدر و مادرم با این کارهایشان آسایش را از زندگی مان گرفته اند و مدام با شوهرم بر سر این موضوع جنگ و دعوا داریم. تا قبل از ازدواجم مادرم برای من تصمیم می گرفت و حتی لباسهایم را هم با سلیقه خودش انتخاب می کرد. بعد از ازدواج گمان می کردم که از دخالت هایش دست بر می دارد اما بر عکس نه تنها کم نشد حتی علاوه بر من برای نامزدم نیز تعیین تکلیف می کند. مادرم توقع دارد هنگام خرید کردن برای همسرم، او نیز حضور داشته باشد تا اعمال سلیقه کند و به نوعی حرفش را به کرسی بنشاند. اوایل سعی کردم با مادرم مدارا کنم و زیاد به او خرده نگیرم تا خودش خسته شود و دست از کارآگاه بازی اش بردارد و در زندگی ما سرک نکشد. اما بعد از آغاز زندگی مشترکمان مادرم بر دخالت هایش شدت بخشید و توقع داشت مدام در خانه آن ها باشیم و قبل از انجام هر کاری با او مشورت کنیم تا به قول او مشکلی پیش نیاید. رفته رفته دخالت های خانواده ام بر زندگی زناشویی من و همسرم تاثیر گذاشت و اعصاب همسرم از این ماجرا به هم ریخت و تقریبا روزی نبود که بر سر این ماجرا با یکدیگر مجادله نداشته باشیم و هر روز نیز دامنه اختلافات ما گسترده تر می شد.
هر چقدر به مادرم تذکر دادم تا رفتارش را اصلاح کند و حتی از پدرم خواستم که مقابل مادرم بایستد اما فایده ای نداشت و او به کارهایش ادامه می داد.
حتی کار مادرم به جایی رسید که برای بچه دار شدنمان نیز زمان تعیین می کرد و از ما می خواست هر چه زودتر بچه دار شویم تا او به آرزویش که بازی با نوه هایش است برسد. دیگر صبر همسرم به سر آمد و روزی به سیم آخر زد و با مادرم به شدت درگیر شد.
این ماجرا باعث شد به مادرم بر بخورد و پایش را در یک کفش کرد و از من خواست با او زندگی نکنم و از همسرم هر چه زودتر جدا شوم. همسرم وقتی دید که مادرم دست بردار نیست تصمیم گرفت از دست خانواده ام به دادگاه شکایت کند تا هر چه زودتر قانون تکلیفمان را روشن کند.

کارت دانشجویی
به شماره ۹۱۰۵۰۸۳ بنام علی قهرمان از دانشگاه دولتی بجنورد مفقود و اعتبار ندارد. ۹۵۳۰۹۸۹۹/و

از شرایط ویژه، مناسبتها، اتفاقات ورزشی برای جهش در تبلیغ استفاده کنید

یک شغل جدید و پر درآمد
پرورش قارچ بدون مصرف انرژی یعنی در فضای آزاد
۹۵۰۱۷۳۰۶/ش
شماره ثبت ۱۰۱۹۷۹ تاسیس ۱۳۸۰ مجوز از جهاد کشاورزی ۹/۱۰۸۵۵
(شهرستان ۰۹۱۹۸۱۶۷۹۳۴) (مشهد ۰۵۱-۳۶۶۷۳۵۸۱)

دفتر پیشخوان جهانی
مرکز مجاز ثبت نام کارت ملی هوشمند
ثبت نام کارت ملی برای تمام سنین بالای ۱۸ سال
آدرس: خیابان دو چنار- جنب درمانگاه فارابی
تلفن تماس چهار رقمی 1883
۹۵۰۰۵۶۲۶/و

تولیدی تشک رویال پارت (بجنورد)
اولین تولید کننده انواع تشک طبی، طبی فنری، تشک فصلی(زمستانه و تابستانه)
به سفارش مشتری (نقد و اقساط)
ضمانت نامه کتبی بلند مدت + هدیه + کارت طلایی خرید
در صورت عدم رضایت از تشک جنس پس گرفته میشود.
طرف قرارداد: کارکنان دانشگاه آزاد - جهادکشاورزی - بنیاد جانبازان
مدیریت تولید: ۰۹۱۵۵۸۴۲۲۱۰
مدیریت: یزدگشمهر ۰۹۱۵۷۸۷۲۲۱۰-۳۲۲۲۲۹۱۲
واحد بازاریابی و فروش: بجنورد، خیابان قیام، روبروی فروشگاه اتکا، جنب کوچه ابرج
۹۵۲۹۷۷۸۶/و

خودرو خانوادگی ۳۹۷
CHERY
MVM مدیران خودرو
فروش اقساطی Arrizo 5 با ۳۰% پیش پرداخت
فروش اقساطی Tiggo 5 با ۳۵% پیش پرداخت
۵ سال گارانتی با ۱۵۰ هزار کیلومتر، تعداد محدود
فروشی اقساطی MVM ۳۱۵ با ۹/۲۰۰ میلیون
۳۶ ماهه /تحویل فوری / تعداد محدود
فروش اقساطی MVM ۵۵۰ با حداقل پیش پرداخت
۳۶ ماهه / تحویل فوری / تعداد محدود
فروش اقساطی MVM ۱۱۰ با ۶/۱۹۰ میلیون
تعداد محدود / تحویل فوری
هدایای ویژه
۹۵۱۱۲۰۷۴/و
شیروان-خیابان امام خمینی(ره) چهارراه قائم ۳۶۲۲۲۱۷۸-۳۶۲۳۶۱۴۶

نخیل های رونق را رصد کنید
www.Rasad.org